نسخه های ناب الهی برای بخشش گناهان

انســان ها به دلیل مقتضیات انسانی‌شــان و به خاطر داشتن دشمنی قســم خورده که پیوسته در تلاش است تا آدمی را از راه حق و درســت به دور کند از لغزش و گناه در امان نیستند هر چند که در طول زندگی تمام هم و غمشان حرکت در مسیر عبودیت پروردگارشان باشد.

در واقع به غیر از معصومین (علیهم السلام) که از خطا و گناه مصون اند، دیگر افراد در مسیر پر خطر گناه و معاصی انــد. اما خدای مهربــان از آنجا که بــه هدایت بندگانش توجهی ویژه دارد و یاریــش نصیب آنانی می گردد که در مسیر عبودیتش گام بر می دارند به کمتر بهانه ای درصدد از بین بردن لغزش های غیر متعمدانه بندگانش است.

رئوفی که پاداش هر حسنه را تا ده برابر افزایش می دهد بی تردید در صدد است تا از روزنه های کوچک و متعددی، معاصی غیر لجوجانه بندگانش را از بین ببرد.

اهل بیت (علیهم الســلام) به عنوان پیام آوران الهی به تبیین آنچه موجب از بین رفتن گناهان می گردد پرداخته‌اند.

با بررسی کلام معصومین (علیهم السلام) موارد متعددی را مــی توان یافت کــه از آنها به عنــوان از بین برندگان گناهان یاد شده است.

در این مختصر به برخی از این موارد می پردازیم.

بیماری ها

افراد در طول زندگیشــان از بیماری های بسیاری رنج می‌برند. از دســت دادن ســلامتی و قرار گرفتن در بستر بیماری از تلخ ترین خاطرات زندگی افراد است.

تحمل رنج و ناراحتی حاصل از بیماری لحظات ســخت و ناخوشــایندی را برای افراد رقم می زند. برخی اشخاص هنگام ابتلاء به بیماری ســریعاً روحیــه ی خود را باخته و زبان به کفر پروردگار می گشایند. غافل از آنکه در پاره‌ای از موارد شــخص به بیماری مبتلا نشده است مگر به خاطر آنکه به واســطه‌ی رنــج و دردی که در طــول بیماریش متحمل می گردد؛ گناهانش از بین برود.

آری، خالق مهربان از آنجا که بنده اش را دوســت دارد و نمی خواهد گناهان بندگان، میان آنان و پروردگارشــان فاصله انــدازد آنان را به بیماری مبتلا می ســازد تا بدین وسیله گناهانشان را پاک نماید. چنانچه در روایات متعددی از اهل بیت (صلوات الله علیهم) به این نکته اشــاره شــده اســت. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند: «بیماری تــن را از گناهان می پالایــد، همچنانکــه دم آهنگری، ناخالصــی آهن را می زداید.» (دیلمی، حســن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، ج۱، ص۴۳)

یا آنکه در روایتی دیگر یک شب تب داشتن را کفاره‌ی یکسال گناه بیان می دارند:«یک شب تب داشتن کفاره‌ی یکســال گناهان اســت». (التمحیص، ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، ص۴۲، ح۴۵.)

اندوه

غم و اندوه مفهومی تجربه شــده برای تمامی انســانها اســت. هر فرد در طول زندگی خود بارها و بارها به سبب حوادث و اتفاقات گوناگون اندوهگین می شود.

انســان در این هنگام چنین می پندارد که خدایش او را فرامــوش کرده و یا اینکه او را به حال خود وانهاده اســت چرا که خواسته‌اش را برآورده نمی نماید و او را از این اندوه رهایی نمی بخشد.

در صورتیکه درســت عکس این تفکر حاکم است. یعنی آنکه، خدای متعال اندوه را وســیله ای قرار داده تا به سبب آن دامن بندگانش را از هرگونه گناه و بدی پاک نماید.

چنانچه نبی مکرم اســلام(ص) در این بــاره فرمودند: «هرگاه گناهان مومن زیاد شــد او را عملی نباشــد که آن گناهان را پاک گرداند، خداوند او را به اندوه مبتلا ســازد تا بدان ســبب گناهانش را بزداید.». (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج۷۰، ص۱۵۷)

و جالب تر آنکه این اندوه آنقدر خرد می شــود تا بدانجا که هراس مومن از خوابی آشفته نیز وسیله ای برای آمرزش گناهان او خوانده شده است. «همانا مومن خواب هولناکی می بیند و به سبب آن گناهانش بخشوده می شود، و آسیب بدنی می بیند و بدان ســبب گناهانش آمرزیده می‌گردد.» (الکافی، محمد بن یعقوب، الکلینی، ج۲، ص۴۴۵.)

کیفر دنیوی

هر فــرد در طول زندگــی با حوادث و اتفاقــات ناگوار بســیاری رو در رو می شــود. با جســتجو در متون دینی مشــخص می گردد که این رویدادها به دلایل متعددی در زندگی رخ می دهد.

پــاره ای از حوادث ناگوار به جهــت آزمودن افراد روی می‌دهد اما علت وقوع برخی دیگر از حوادث ناگوار به گفته معصومین (علیهم السلام) گناهان بندگان است.

به فرموده معصومین علیهم الســلام، بنــده دچار فقر، بیماری و ترس در دنیا می گردد تا به سبب آنان گناهانش پاک شــود. از این رو امام صــادق (ع) فرموده اند:«هرگاه خداونــد خوبی بنده ای را بخواهــد، در همین دنیا کیفرش دهد و چون برای بنده ای بد بخواهد گناهانش را نگه دارد تا در روز قیامت کیفر بینــد.» (الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، ج۱، ص۲۰، ح۷۰)

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انفطار

اجمالاً پیش‌بینی می‌کند که این خورشید روزی نور و حرارتش تمام می‌شود.

خورشــید که نور و حرارتش تمام شــود، در اوضاع تمام آنچه که تابع خورشید بوده است و بلکه در اوضاع خورشیدهای عالم اثر می‌گذارد.

[علم امروز] مدعی نوعی دور شــدن ســتارگان از یکدیگر اســت و اینکه هر چه بیشــتر از یکدیگر دور می‌شوند، رابطه میان آنها ضعیف‌تر می‌شود و هر چه که رابطه ضعیف‌تر شــود، کم‌کم منتهی به گسیخته شدن آنها می‌شــود؛ درست مثل دانه‌های تســبیحی که از یکدیگر باز می‌شود و درهم می‌ریزد.

[حال ســؤال این است که] آیا قرآن همین مطلب را می‌گوید که علمای امروز پیش‌بینی می‌کنند یا ما نباید آنچه که قرآن می‌گوید حتماً با آن مقداری که علم بشر امروز به آن رسیده است تطبیق کنیم؟

دومی درست است؛ یعنی با اینکه با مطالبی که علم امروز می‌گوید آن مشــکلاتی که قدیم فکر می‌کردند همه از بین رفت، ولی چه کسی می‌تواند از نظر علمی آینده کل جهان را پیش‌بینی کند؟!

برای ما هیچ مدرکی معتبرتر و متقن‌تر از قرآن وجود نــدارد. قرآن می‌گوید روزی خواهد آمد که این حوادث رخ می‌دهــد و آنچه کــه قرآن می‌گوید شــامل تمام موجودات عالم طبیعت اســت و برای ما شــکی نیست که این حوادث رخ می‌دهد. البته قرآن هدفش بیان این مسائل نیســت، اینها مسائل طبیعی است. قرآن نیامده اســت که فقط به ما خبر بدهد که یک روز ســتارگان چنین می‌شــوند و خورشید چنان می‌شــود. بشوند یا نشوند، این به سعادت ما چه ارتباطی دارد؟!

آن چیزی که به ســعادت ما ارتباط دارد این اســت که همــه اینها مقدمه پیدایش چیزی اســت که قرآن از آن به یوم‌الدین تعبیر می‌کند و آن، روزی اســت که یک پیوســتگی میان انسان و عمل انسان رخ می‌دهد؛ یعنی روزی است که انسان به اعمال خودش که پیش فرستاده اســت می‌رسد و تمام ســعادتش و شقاوتش بستگی به آن دارد.

در ادامه سوره انفطار این مطلب را با این جمله بیان می‌کنــد: علمت نفس ما قدمت و اخرت. در ســوره اذا الشــمس کورت فرمود: علمت نفس مــا احضرت هر نفسی می‌داند که برای خود چه حاضر کرده.

آنجا از جهتی یک مقدار کلی و مبهم ذکر کرده بود و اینجا همــان معنا را با این تعبیر بیان فرموده: علمت نفس مــا قدمت و اخرت آن وقت هر نفســی می‌داند چه پیش از خود فرســتاده است و چه بعد از خود باقی گذاشته است.

پیش فرستاده‌ها و پس فرستاده‌ها

مســئله ما قدمت و اخرت به تعبیرهای مختلفی در قــرآن مجید آمده اســت. اینکه انســان هر عملی که مرتکب می‌شــود به منزله یک پیش فرســتاده است و عمل انسان قبل از خود انسان به عالمی که متناسب با آن اســت بالا می‌رود، در قرآن زیاد آمده است. از جمله در اواخر سوره مبارکه حشر می‌فرماید:

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون. ای اهل ایمان تقوای الهی داشته باشید و باید هر نفسی نظر کند و دقت کند در آنچه که برای فردای خود پیش می‌فرستد.

در مورد «پیش فرســتاده‌ها» مطلب معلوم اســت، «پس فرســتاده‌ها» چطور اســت؟ یعنــی آنهایی که خود شــخص، اول می‌رود و بعد از او آنها را می‌فرستد چیســت؟ مگر ممکن است انســان پس فرستاده هم داشته باشد؟ بله.

از جمله جاهایی که این مطلب ذکر شده یکی همین آیه مورد بحث اســت و دیگر آیه‌ای در سوره یس. در ســوره مبارکه یس می‌خوانیم: انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدمــوا و اثارهم. («انا» یعنی تحقیقاً ما، و باز «نحن» تأکید آن «نا»ی در «انا» است.)

همانا ما، ما زنــده خواهیم کرد مردگان را و هر چه را که آنها پیش از خود می‌فرســتند و نیز آثارشــان را می‌نویســیم. اینجا تعبیر به «اثر» شــده (اثر جای قدم را می‌گوینــد و در آیه مورد بحث هم تعبیر این بود: ما قدمت و اخرت.

سنت حسنه و سنت سیئه

حال ســؤال این اســت: آنهایی که انســان بعد از خودش باقی گذاشته است چیست؟ در جواب می‌گوییم: همانهایی اســت که در روایات از آنها تعبیر به ســنت حسنه و سنت سیئه شــده است. بعضی انسان‌ها وقتی از دنیا می‌روند، با رفتن آنها پرونده آنها در دنیا بســته می‌شود و هیچ اثری بعد از خود باقی نمی‌گذارند، نه اثر خوب و نه اثر بد.

اینگونه اشخاص شاید به ندرت پیدا شوند. ولی غالباً انســان‌ها از خود اثر باقی می‌گذارنــد، منتها با تفاوت؛ یعنی بعضی انســان‌ها اثرهایشــان در شعاع کم است و بعضی در شــعاع زیاد. اگر انســان در دوست خودش تأثیری کرده باشــد (حالا یا اثر خوب یا اثر بد) و یا اگر فرزندی از خودش باقی گذاشته باشد و در تربیت او به نوعی تأثیر کرده باشــد، اینها بعد از او باقی می‌ماند. در این حدود همه مردم از خودشــان اثر باقی می‌گذارند و شاید هیچ‌کس نباشد که برود و هیچ اثری نگذارد و اگر هم باشد خیلی به ندرت است.

ولی بعضی‌ها اثرهایی بزرگ و به صورت سنت باقی می‌گذارند؛ یعنی کاری انجــام می‌دهند که بعد از آنها جامعــه از راه آنهــا می‌رود و از آنهــا پیروی می‌کند و وسیله‌ای می‌شوند برای اینکه عامه مردم از این راه، یا به خیر و سعادت برند و یا به شر و شقاوت.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۲۱

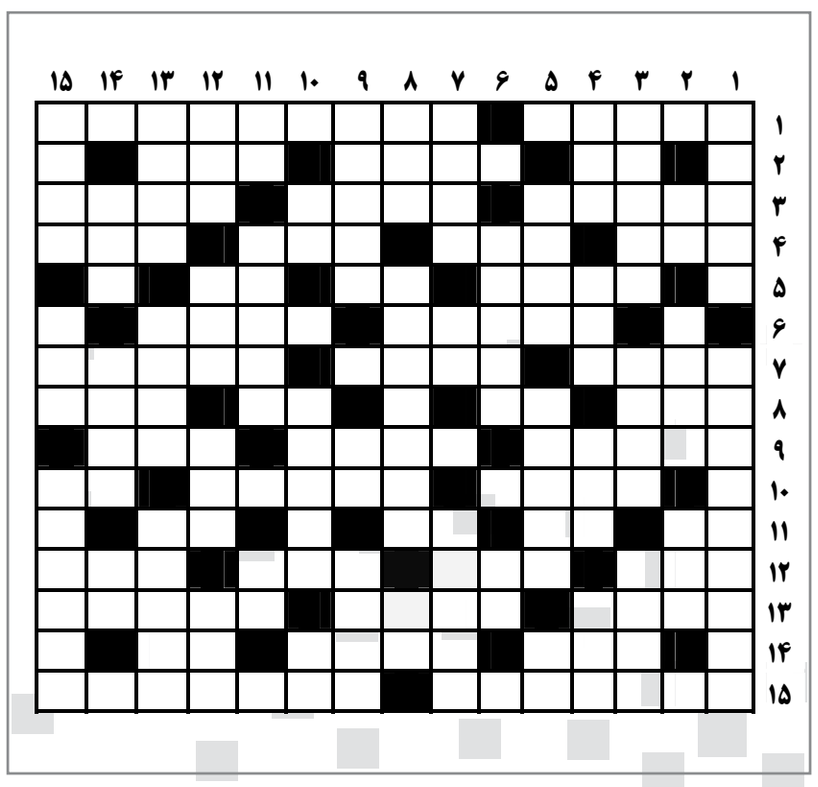

افقی:
۱-کشوری آفریقایی- از رشته‌های ورزشی انفرادی
۲-برابر - سمت- کشتی جنگی
۳-در حال ناله سر دادن- اسب- صحرایی بین مصر و فلسطین اشغالی
٤-مــادر ترکی- شــتر- زادگاه نیما- نماز ستون آن است
۵-مقابل نســیه- مانع- نفوذ در ســایت اینترنتی
٦-غذای تخــم مرغی- از چهره‌های هنری سینما و اهل شیراز
۷-نشستن هواپیما- در آب زندگی می‌کند- از شهرهای آمریکا
۸-از تفنگ شلیک می‌شود- یکصد مترمربع- اسب ترکی- عدد
۹-جمع حدیقه- راه- دوری
۱۰-میوه- هدف متعالی- مرغابی
۱۱-دروازه دهان- توان- ضمیر اول شخص مفرد- مجرای خون
۱۲-پهلوانی- زخم- فاجعه کشــته شدن حجاج در آن رخ داد- شعله آتش
۱۳-شــکایت کننده- مقر- از چشمه‌های سرد اطراف سپیدان
۱٤-بذر- داستان بلند- کجاست
۱۵-از پژوهشگران فرهنگ عامه و تعزیه- کنایه از آواز مشمئزکننده و آزاردهنده

عمودی:
۱-از شــهرهای کویری ایران- از شاهان بی‌عرضه و هوسران قاجار
۲-ضمیر اشــاره به دور- قاصــد- از نازل شدنی‌ها
۳-استانی شمالی- میراث‌خواران- واحد
٤-نظرها- با چایی می‌خورند- فرخندگی- از جنس یخ
۵-ندا دهنده- مقر گشتن به چیزی- زینت سر
٦-مریض- از سوره‌های قرآنی
۷-مرکز افغانستان- پروردگار- از سیارات منظومه شمسی
۸-از ورزش‌های آبی- نگهبان ایستگاه قطار در بین راه- مادر عرب
۹-سرد کردن- دیر بی‌آغاز- مداخل بی‌پایان
۱۰-خدای درویشان- کشوری اروپایی- مذکر
۱۱-بادبزن برقی- جرأت و جسارت- غذای مریض
۱۲-سر- ناشنوایی- برتر از گوهر- سپاس
۱۳-مژده- بیرون- از بازی‌های کودکانه
۱٤-همچنین- نزدیک شده- از ادات تنبیه
۱۵-واحد نظامی- چرک- زادگاه فردوسی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۲۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ر	د	ی	د	■	س	ی	ا	ر	ه	ز	ه	ر	ه
۲	ک	■	ی	م	■	س	و	ل	ه	■	ن	ی	ا	■	م
۳	ر	و	ز	ن	ه	■	ا	ه	و	ن	■	پ	ل	ی	س
۴	ی	ل	ی	ا	■	ر	م	■	ا	ر	ز	■	و	ز	ر
۵	م	■	ن	ا	ر	س	■	م	ز	■	و	د	■	د	■
۶	■	م	■	و	ی	ر	و	س	■	ک	ا	ن	ی	■	ع
۷	د	ر	ا	ز	■	و	د	■	ع	■	ر	ی	و	ا	س
۸	ا	و	ل	■	س	ر	■	ف	■	ه	د	■	ز	ی	ل
۹	ر	ه	ا	■	ی	ی	■	■	م	ر	■	س	ی	م	■
۱۰	ی	■	م	ا	ل	ت	■	ت	و	ا	ن	■	ا	■	ا
۱۱	و	ن	■	ل	ا	■	ز	■	ی	ف	■	ل	ت	■	ل
۱۲	ش	ی	پ	■	ن	پ	ا	■	ب	ا	ن	■	ش	م	س
۱۳	س	ا	ل	م	■	ت	ر	ی	ا	■	م	ش	ر	■	ع
۱۴	و	■	ا	ر	ش	■	س	ر	ب	ی	■	ر	ی	■	و
۱۵	م	و	ل	د	ا	و	ی	■	ا	س	ت	پ	ع	ا	د

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۱۹۵

5	2		4	8	6		3	
				5		2		
	8			1	3		6	
	3			6				2
6	7						9	3
2				7			1	
	6		8	9			4	
		1		4				
	9		5	3	1		7	6

جواب جدول شماره ۹۴/۱۹۴

3	6	5	4	9	2	1	8	7
2	4	1	6	7	8	3	5	9
9	7	8	3	5	1	6	4	2
6	5	7	8	2	4	9	1	3
1	9	2	7	3	5	4	6	8
8	3	4	1	6	9	2	7	5
7	8	6	9	1	3	5	2	4
4	2	9	5	8	6	7	3	1
5	1	3	2	4	7	8	9	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ســتون عمــودی و ۹ ردیف افقی اســت که توسط خطوط پررنگ‌تر بــه ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعــدادی از خانه‌هــا در این جــدول دارای عدد هســتند و وظیفه شــما این اســت که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ســتون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعــدادی که در هــر ردیف و ســتون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شــامل می‌شود و نباید تکراری باشند.